

گپ و گفت با پروین ملکی درباره دنیای بازیگری، از تلویزیون تا سینما

# ۲۵ سال با نقش مادر



پروین ملکی بازیگری است که حدود ۲۵ سال پیش با تلویزیون آغاز به همکاری کرد. او توانست با تجربیات زیسته و ارتباطات انسانی اش به دنیای هنر پا بگذارد. ملکی که در کارنامه کاری اش آثار ماندگاری همچون «آژانس دوستی»، «پشت کنکوری ها»، «من یک مستاجریم»، «متهم گریخت و ترش و شیرین به چشم می خورد»، توانسته در نقش های مادری به خوبی بدرخشد. او در این مسیر تجربه همکاری با هنرمندان بزرگی را کسب کرده است که خاطرات ماندگاری را برایش رقم زده اند. به همین مناسبت، جام جم با این بازیگر پیشکسوت گفت و گویی ترتیب داده است که در زیر می خوانید.

زهرا عباسی

روزنامه نگار



میلاد، تماشاچیان خانم جیغ می کشیدند و گریه می کردند. صحنه احساسی ای بود که مردم را تحت تاثیر قرار داد.

**۱) در مواجهه با مردم بیشتر چه بازخوردهایی می گیرید و چه تاثیری در تعاملات شما داشته؟**

اغلب در مواجهه با مردم به صدایم اشاره می کنند. حتی پیش آمده که از پشت سر هم من را شناخته اند. مردم محبت دارند و هر جایی روم، عکس می گیرند. از باغبان و راننده تا مهندس، با همه عکس می اندازم. بعضی ها حتی نام فیلم و سریال ها را هم خاطرشان نیست، اما می گویند ماصدای شما را خیلی دوست داریم و وقتی فیلم شما پخش می شود، همه می نشینیم و تماشا می کنیم.

**۲) با چه کارگردان هایی کار کرده اید؟ و دوست دارید امکان همکاری با کدام یک از آنها مجدداً برای شما اتفاق بیفتد؟**

با کارگردان های زیادی همکاری داشتم. رسول صدرعاملی، بهروز شعبی، فریدون جیرانی، رضا عطاران، کمال تبریزی، حسن فتحی و خیلی های دیگر که الان حضور ذهن ندارم. همه کارهایم را دوست دارم و در همکاری با هر کدام از این بزرگان تجربه ای کسب کرده ام.

**۳) گفته بودید در شروع ورودتان به عرصه بازیگری بذلگویی تان مورد توجه قرار گرفته بود. آیا این خصیصه در بازی به کارتان آمد؟**

بله. معمولاً عادت دارم در جریان کار جوک تعریف کنم. در سریال جیران، همان طور که گفتیم نقش مادر بزرگ سیاوش را داشتم. در پشت صحنه زیاد جوک می گفتم. این باعث شد که آقای فتحی هم جوک بگویند و من می خندیدم. آقای فتحی یک بار گفت که یک پسری شب قبل از خواب شیشه آب خالی را بالای سرش گذاشت. صبح مادرش از او پرسید: مادر چرا شیشه خالی گذاشتی بالای سرت؟ پسر گفت فکر کردم دیدم ممکن است تشنه نشوم! عوامل می گفتند آقای فتحی جوک نمی گفت، ولی برای شما این کار را کرد. همیشه روحیه بذلگویی را در مراوداتم با عوامل و دوستان و هنروران حفظ می کنم. دوست ندارم نوع ارتباطم با دیگر همکارانم سرد و بی روح باشد. پیش آمده که بازیگری جواب سلام هنروران را ندهد. این رفتار را نمی پسندم و تمام تلاشم این است که من چنین نباشم. حتی گاهی ناهارم را می برم و با هنروران همسفره می شوم.

**۴) جدیداً پیشنهاد کاری دارید؟**

در آخرین پیشنهاد کاری گفتند شما را برای نقش مادری شمالی در نظر داریم. اغلب می گویند چهره و بازی تان به زنان شمالی نزدیک است. البته گفته اند که این پروژه چند ماه دیگر انجام می شود. نقش های زیادی در فیلم هایی با ژانرهای متفاوت بازی کرده ام. از ژانرهای خانوادگی و اجتماعی گرفته تا کمدی. در «بانک زده ها» که فیلمی کمدی است با نسرين مقانلوی عزیز همبازی بودم. ایشان نقش دخترم را بازی می کردند. البته چهار دختر داشتم که دزد بودند و من اطلاع نداشتم.

**۵) با کدام یک از همکاران بازیگرتان در ارتباط هستید؟**

از بین بازیگران بیشتر با خانم زهرا سعیدی و سعیده عرب ارتباط دارم. به من لطف دارند و جویای احوالم می شوند.



داشتم. هر چند که در همان ابتدا مادر بزرگ سیاوش فوت کرد، اما آنجا هم با لهجه شمالی صحبت می کردم.

**۶) چه تجربیاتی از زندگی شخصی تان باعث شده است که کارگردان ها شما را برای نقش های مادری مناسب ببینند و این نقش ها چگونه بر ارتباط شما با مخاطبان تأثیر گذاشته است؟**

شاید دلیلش این بوده که در تجربه زیسته ام مادری را تجربه کرده ام. کارگردان ها این نقش را برایم مناسب می بینند و مخاطبان هم می پسندند. مردم در کوچه و بازار خیلی نسبت به من ابراز محبت و از مادری هایم تعریف می کنند. اغلب می گویند که صدايتان برایمان ماندگار شده و حتی با شنیدن آن می توانیم شما را به یاد بیاوریم. می گویند صدايتان را دوست داریم.

**۷) در بین بازی هایی که داشتید کدام نقش تان را بیشتر از همه دوست دارید؟**

نقشم در فیلم «دهلیز» را بسیار دوست دارم. در این اثر، عطاران در نقش بهزاد، پسر را کشت و این ماجرا به شدت روی من تأثیر گذاشت. به قدری تحت تأثیر قرار گرفته بودم که صحبت نمی کردم و حتی شائبه لال شدنم به وجود آمد. نه حرف می زدم، نه گریه می کردم و نه غذا می خوردم. شیوا (هانیه توسلی) می آمد تا از من رضایت بگیرد و می گفت شوهرم را ببخش. نگار عابدی در نقش خواهر دوقلوی مقتول اجازه نمی داد که مادر با خانواده قاتل روبه رو شود و یا رضایت دهد.

در نهایت بچه قاتل (رضا عطاران) می آید و می گوید که من پنج سال است از پدرم دورم و تا حالا نمی دانستم که پدر دارم. حالا فهمیدم که پدرم زنده است و بابت کاری که کرده عذرخواهی می کنم. آنجا وقتی به او نگاه می کنم، اشک می ریزم. در آن صحنه، در سینمای برج



نقشم در فیلم

«دهلیز» را بسیار

دوست دارم. در این

اثر، عطاران در نقش

بهزاد، پسر را کشت

و این ماجرا به شدت

روی من تأثیر گذاشت.

به قدری تحت تأثیر

قرار گرفته بودم که

صحبت نمی کردم و

حتی شائبه

لال شدنم

به وجود آمد

**۸) چه عاملی باعث شد که تصمیم بگیرید وارد عرصه بازیگری شوید و چگونه اولین تجربه خود را در این زمینه به دست آوردید؟**

شروع کارم با تلویزیون به حدود ۲۵ سال پیش برمی گردد. سه پسر دوستان فیلمساز و هنرمند زیاد دارند. روزی یکی از دوستان پسر که کارگردان است به خانه ما آمد. آن زمان من بیننده پروپاقرص تلویزیون بودم و در تعاملات برنامه ها مثل مسابقات و خاطره گویی ها مشارکت می کردم. البته از آنجا که به جوک علاقه دارم برای هم صحبتی با مهمان ها از بذلگویی هم استفاده می کنم. کارگردانی که مهمان ما بودند، به من گفتند با این علاقه مندی ای که دارید، چرا بازی نمی کنید؟ گفتم من تجربه مناسب ندارم. ایشان گفتند که طبق تجربه من، شما خیلی باهوش هستید و توانایی بازی دارید. یک روز ماشین فرستادند دنبالم که بیا دفتر، فلانی با شما کار دارد. رفتیم دفتر آقای جوزانی. ایشان از من پرسیدند: اگر بگویند شوهرتان مجدداً ازدواج کرده، چه می کنید؟ گفتم اگر از من بهتر گرفته، فیها و اگر بدتر، پس لیاقت خودش را دارد و کاری نمی کنم!

**۹) اولین تجربه شما در بازیگری با چه کاری بود و در آن اثر همکاری با چه هنرمندانی برای شما خاطره آفرید؟**

اولین بار در مجموعه «آژانس دوستی» جلوی دوربین رفتم. در آن مجموعه نقش همسر مرحوم اصغر بیچاره را بازی می کردم. همکاری با مرحوم فردوس کاویانی و زنده یاد حسین پناهی از جمله افتخاراتی بود که در این پروژه نصیبم شد. از مجموعه دوستان و همکاران بازیگر آژانس دوستی افراد زیادی را از دست داده ایم. البته در پروژه های دیگری هم با جاوید نامانی مثل آقایان محمدعلی کشاورز و مرتضی احمدی هم بازی کرده ام که یادشان همیشه زنده است.

**۱۰) با توجه به تعدد نقش هایی که بازی کرده اید، چگونه توانستید به خوبی لهجه ها و زبان های مختلف را در نقش های خود اجرا کنید و با چه چالش هایی در این زمینه مواجه شدید؟**

من در تهران به دنیا آمدم و مادرم لبنانی است. با وجود آن که تجربه زبان و لهجه دیگری را نداشتم در مجموعه های زیادی گویش ها و حتی زبان های دیگر را بازی کرده ام. در سریال «گذر از رنج ها» باید لهجه شمالی را کار می کردم. در «به خاطر پونه» با بازی فرهاد اصلانی و هانیه توسلی، نیاز بود با لهجه ترکی صحبت کنم. آن زمان من آلمان بودم. کارگردان گفته بود هر وقت آمد ایران به من اطلاع دهید. وقتی آمدم ایران گفتند از هر کس پرسیدم چه کسی این نقش را بازی کند، همه از شما نام بردند. از آنها خواستم دیالوگ ها را برایم بنویسند و یک بار هم برایم ترجمه کنند. این طور شد که سراسر فیلم ترکی صحبت کردم. در سریال «جیران» نقش مادر بزرگ سیاوش را

